

پرسش‌های اساسی فلسفه

واقعاً چه می‌دانیم؟

سیدرن بلک‌بن

ترجمهٔ مریم آذین



سرشناسه: بلکبرن، سایمون، ۱۹۴۴-م. Blackburn, Simon

عنوان و نام پدیدآور: پرسش‌های اساسی فلسفه: واقعاً - - - - - / سایمون

بلکبرن؛ ترجمهٔ مریم تقدیسی.

مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۲۷۱ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۱۰۶-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: What do we really know?: the big questions of

philosophy, 2012.

موضوع: فلسفه

موضوع: فلسفه - پرسش‌ها و پاسخ‌ها

شناسه افزوده: تقدیسی، مریم، ۱۳۴۲ -، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ پ ۴ ب ۸ / BD ۲۱

رده‌بندی دیویی: ۱۰۰

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۶۴۴۱۴۲

این کتاب ترجمه‌ای است از:

What Do We Really Know?

The Big Questions of Philosophy

Simon Blackburn

Quercus, 2012



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان آفتاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تیر ۱۳۹۱ - ۶۶۴۰۸۶

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

* *

سیمون بلک‌برن

پرسش‌های اساسی فلسفه

واقعاً چه می‌دانیم؟

ترجمه مریم تقدیسی

چاپ چهارم

۱۱۰۰ نسخه

۱۳۹۹

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۲ - ۱۰۶ - ۲۷۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 600 - 278 - 106 - 2

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۳۸۰۰۰ تومان

فهرست

- پیشگستا ۹
- آیا انسان روی دستگاه است؟ ۱۳
- ماهیت انسان چیست؟ ۲۷
- آیا انسان آزاد است؟ ۴۱
- چه می‌دانیم؟ ۵۵
- آیا انسان حیوانی عاقل است؟ ۶۹
- چطور می‌توانیم به خودمان دروغ بگوییم ۸۱
- آیا چیزی به نام جامعه وجود دارد؟ ۹۳
- آیا انسان‌ها قادر به درک یکدیگر هستند؟ ۱۰۷
- آیا دستگاه‌ها می‌توانند فکر کنند؟ ۱۰۹
- چرا خوب باشیم؟ ۱۳۳
- آیا همه چیز نسبی است؟ ۱۴۵
- آیا زمان در حرکت است؟ ۱۶۱
- چرا همه چیز جاری است؟ ۱۷۳
- چرا به جای این‌که هیچ چیز نباشد چیزی هست؟ ۱۸۳

۱۹۵ فضا از چه پر شده است؟

۲۰۵ زیبایی چیست؟

۲۱۷ آیا به خدا نیاز داریم؟

۲۲۹ غایت زندگی چیست؟

۲۳۹ حقوق من کدام‌اند؟

۲۵۱ آیا باید از مرگ ترسید؟

۲۶۳ میان مرگ و زنده ماندن چه تفاوتی دارد؟

۲۶۷ نمایه چیست؟

www.ketab.ir

پیشگفتار

بسیار پرسشی که در این جا انتخاب کرده‌ام از جمله پرسش‌هایی هستند که اغلب به ذهن مردان جوان و کودکان متفکر خطور می‌کنند. این پرسش‌ها به نظر می‌رسند بطور طبیعی و از طریق تفکر ایجاد می‌شوند. ما پاسخ‌ها را جستجو می‌کنیم ولی فلسفه برخلاف دیگر رشته‌های تحصیلی به جای پاسخ دادن، پرسش برمی‌انگیزد. پاسخ‌های این زمینه اغلب قطعی نیستند و به ندرت مورد توافق قرار می‌گیرند. چنین چیزی شاید برای آن دسته از ما که به عنوان فیلسوف رسمی نام می‌کنیم نأسف‌برانگیز یا خجالت‌آور باشد، ولی به نظر من این‌طور نیست. دلیل این امر تا حدودی می‌تواند این باشد که پرسش‌هایی که در وهله اول ساده به نظر می‌رسند، پس از تفکر به سؤالات کوچک دیگری تجزیه می‌شوند. می‌پرسیم که چرا باید طبق اخلاقیات زندگی کنیم؟ یا «معنی زندگی چیست؟» گویی که پاسخ را جایی همین نزدیکی‌ها می‌توان یافت. ولی این پرسش‌ها دربرگیرنده پرسش‌های ریز و درشت دیگری هستند. چرا باید در این مورد یا در آن مناسبت خاص، یا در مواجهه با این یا آن وسوسه، اخلاقی رفتار کنیم؟ درباره مردم و منافعشان واقعاً چه باید کرد؟ پاسخ یکی نیست. و در شرایط مختلف متفاوت است، و درک این موضوع خود نوعی پیشرفت است.

در پرسش‌های دیگر چه بسا تله‌های مختلفی پنهان باشد. این پرسش مثال خوبی است: «چرا به جای این‌که چیزی نباشد چیزی هست؟» این یکی از پرسش‌های زیربنایی فلسفه و عمیق‌ترین پرسشی به نظر می‌رسد که می‌توان پرسید، ولی شاید عمق آن و جذبه و سواس‌گونه‌ای که ایجاد می‌کند دست‌پرورده حقه‌ای منطقی باشد که لاینحل بودنش را تضمین می‌کند. یا شاید هم این‌طور نیست: این‌ها مسائلی هستند که باید با احتیاط در موردشان کندوکاو کرد، و خط‌مشی متفکران در موردشان متفاوت است. فکر نمی‌کنم چنین چیزی مایه تأسف یا شرمساری باشد. اگر قرار بود درباره امور انسانی هم بنویسیم خط‌مشی‌مان یکسان نمی‌بود: نظرهای مختلف افراد درباره تصمیمی سیاسی یا تعطیلاتی خانوادگی (یا دعوای خانوادگی) را مجرم ننید. شکسپیر نمایشنامه‌های فوق‌العاده‌ای درباره عشق، جنگ، ترس، جاه‌طلبی، بسیاری مسائل دیگر نوشت، ولی هیچ‌کس معتقد نیست که او «پاسخ‌های» قطعی را داده است یا این‌که چیز دیگری برای افزودن وجود ندارد.

از این رو، تلاش کرده‌ام خواننده را با پرسش‌ها، با چیزهایی که گفته شده، و با نقاط ضعف و پیچیدگی‌های آن‌ها آشنا کنم. بیست پرسشی که در این‌جا انتخاب کرده‌ام با نام و ترتیب خاصی ارائه نشده‌اند، بجز پرسش آخر که همه ما آخر از همه آن را پیش می‌کشیم. مباحثات مستقل در نظر گرفته شده‌اند و، از این رو، خواننده می‌تواند بنا به دلخواه خود در آن‌ها تعمق کند. از آن‌جا که هرازگاهی ارجاعاتی داده شده، شاید خواننده احساس کند به چالش کشیده می‌شود، و امیدوارم که همین‌طور باشد.

قرن بیست و یکم روندی را پیش گرفت که در قرن پیشین هم به چشم می‌خورد. این روند نوع معینی از نمایش پیروزی علمی است. وجد و